



فتاوی این تیمیه عامل اصلی جنگ‌های داخلی جهان اسلام است

استاد دانشگاه ادیان و مذاهب گفت: تفکر این تیمیه تفکری تکفیری است. او در کتبش رأی به تکفیر و قتل مسلمانان سایر مذاهب می‌دهد.

استاد دانشگاه ادیان و مذاهب گفت: تفکر این تیمیه تفکری تکفیری است. او در کتبش رأی به تکفیر و قتل مسلمانان سایر مذاهب می‌دهد. امروز فتاوی این تیمیه سرمنشأ و عامل اصلی جنگ‌های داخلی است.

به گزارش خبرنگار مهر، برنامه تلویزیونی «درس گفتار» شبکه چهار در هفته جاری به بررسی جریان‌های سلفی و نقش و جایگاه آنها در جهان اسلام از گذشته تا به حال با حضور حجت الاسلام والمسلمین مهدی فرمانیان عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب پرداخت.

حوزه پژوهشی حجت الاسلام فرمانیان فرق و مذاهب اسلامی به خصوص جریان‌های فکری سلفیه است. از آثار وی در این زمینه می‌توان به کتب فرق و مذاهب کلامی اهل سنت، درآمدی بر فرق تشیع، و تاریخ تفکر سلفی گری از آغاز تا عصر حاضر اشاره کرد.

تأسیس سلفیه

سلفیه نام تفکری است که توسط ابن تیمیه و بر مبنای تفکرات اصحاب حدیث بنیان گذاشته شد. عناصر اصلی مکتب فکری که ابن تیمیه بنیان گذار آن است را می‌توان در این ۴ بدعت خلاصه کرد:

۱. مقدم و برتر دانستن فهم سلف بر فهم خلف است. سلف در اصل به معنای صحابه و تابعین است؛ هرچند منظور ابن تیمیه از فهم سلف، فهم اصحاب حدیث بود.

۲. ارائه مفهوم جدیدی از عبادت است. ابن تیمیه عبادت را نهایت محبت و نهایت ذلت می‌داند و معتقد است که هر کس نهایت محبت و نهایت ذلت را برای غیر خدا انجام دهد، مرتکب شرک شده است. بنابراین توسل، استغاثه، نذر، تبرک، و بنای بر قبور مصداق شرک است. ابن تیمیه با این تعریف نادرست بسیاری از اعمال مسلمانان را از مصادیق شرک و یا بدعت می‌داند. حال آنکه این تعریف از نظر بیشتر علمای اسلام (از نظر علما هر چهار فرقه سنی و علما شیعه) نادرست است. او فهم خود از عبادت را همان فهم سلف از عبادت می‌داند. درحالی که هیچ کتابی پیش از وی را نمی‌توان یافت که یکی از سلف عبادت را به نهایت محبت و نهایت ذلت تفسیر و تعریف کرده باشد.

۳. تغییر در مفهوم اجتهاد است. او معتقد است که تقلید از مذاهب اربعه (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) حرام است، و هر کس می‌بایست خود به سراغ کتاب و سنت برود. از اینجا فقه سلفی و غیرمقلد تولید شد؛ به گونه‌ای که هر کسی می‌تواند با حداقل مطالعه در کتاب و سنت، مجتهد مطلق شود. در اینجا نیز ابن تیمیه این مفهوم را به سلف نسبت داده و معتقد است سلف تقلید را حرام می‌دانسته‌اند. امروزه این تفکر در جریان‌های داعش و القاعده تأثیر فراوانی گذاشته است، تا جایی که جوانانی کم سن و سال با مطالعه قرآن و چند کتاب خود را مجتهد دانسته، دیگر مسلمانان را تکفیر کرده و آنها را می‌کشند!

۴. حکم به ارتداد و قتل دشنام دهندگان به صحابه است. به تصریح امام ابوحنیفه و بنا بر حدیثی از پیامبر اکرم (ص): دشنام دادن به مؤمن، فسق و جنگیدن با او کفر است. لذا حتی بر اساس فقه اهل سنت، سب کننده مؤمن را نمی‌توان کشت و نهایتاً حکم به فسق او می‌توان داد.

بنابراین می‌توان دید که تفکر این تیمیه تفکری تکفیری است. او در جای جای کتبش رأی به تکفیر و قتل مسلمانان سایر مذاهب می‌دهد. امروز فتاوی این تیمیه سرمنشأ و عامل اصلی جنگ‌های داخلی جهان اسلام است.

وهابیت

ابن تیمیه در سال هفتصد و بیست و هشت هجری قمری از دنیا رفت. بعد از مرگ او تا مدت‌ها جریانی به نام جریان

سلفیه در تاریخ مشاهده نمی شود. اما از قرن دوازده به بعد کم کم تفکر ابن تیمیه توسط عده ای در جهان اسلام احیا می شود که یکی از این افراد محمد بن عبدالوهاب است.

محمد بن عبدالوهاب در کنار آل سعود توانست تفکرات ابن تیمیه را در جهان اسلام گسترش دهد. در سال ۱۱۶۰ هجری قمری پیمانی میان محمد بن سعود حاکم منطقه درعیه و محمد بن عبدالوهاب بسته شد، مبنی بر اینکه محمد بن سعود افکار محمد بن عبدالوهاب را بپذیرد و در عوض محمد بن عبدالوهاب رهبری سیاسی طایفه محمد بن سعود را بپذیرد. همچنین بنا گردید پس از محمد بن عبدالوهاب فرزندان رهبری مذهبی و فرزندان محمد بن سعود رهبری سیاسی را برعهده داشته باشند. این پیمان تا به امروز ادامه پیدا کرده است. مفتی اعظم عربستان از میان خاندان آل الشیخ که فرزندان محمد بن عبدالوهاب هستند انتخاب می گردد و رهبری سیاسی نیز از بین خاندان آل سعود. بدین سان آل سعود مذهب وهابیت را تقویت می کند، و مذهب وهابیت نیز مشروعیت سیاسی آل سعود را تأمین می کند.

محمد بن عبدالوهاب سخن تازه ای نسبت به ابن تیمیه ندارد. تنها چیزی که محمد بن عبدالوهاب را از ابن تیمیه متمایز می سازد، تندروی و افراط عملی است؛ فتاوایی که ابن تیمیه فقط در کتبش صادر کرده است توسط محمد بن عبدالوهاب با حاکمیت آل سعود عملیاتی می گردد. وهابیان در بین سال های ۱۲۱۶ تا ۱۲۱۸ قمری در حمله به مکه، مدینه، طایف، نجف، کربلا جنایات متعددی را مرتکب می شوند. تا جایی که خبر به دربار عثمانی رسیده و در نتیجه امپراتوری عثمانی شورش ایشان را سرکوب کرده و با اعدام رهبران سیاسی و مذهبی وهابیت، این جریان به مدت ۷۵ سال به محاق می رود.

با وقوع جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن که از خاندان آل سعود است به کمک انگلستان بر تمام شبه جزیره عربستان مسلط شده و در سال ۱۹۳۲ میلادی کشور عربستان سعودی را به عنوان یک کشور مستقل بنیان گذاری می کند. بعد از جنگ جهانی دوم انگلستان تضعیف شده و آمریکا به عنوان ابرقدرت جدید جایگزین انگلستان می شود.

در دهه شصت میلادی برخی کشورهای اسلامی به سمت تفکر سوسیالیست سوق می یابند. جمال عبد الناصر در مصر، قذافی در لیبی، صدام در عراق، حافظ اسد در سوریه، با گرایشات سوسیالیستی ظهور می کنند. آمریکا با این تصور که حکومت سلفی گری وهابیت، جایگزین خوبی برای کمونیسم است، به تقویت آن پرداخته و دست آل سعود را در گسترش وهابی گری باز می گذارد. لذا عربستان نه تنها در جهان اسلام که در کشورهای اروپایی و آمریکایی اقدام به تأسیس مساجد، مدارس، حوزه های علمیه، دانشگاه و مؤسسات فرهنگی می کند. مسلمانان اروپا و آمریکا جذب این مساجد شده و تفکر وهابیت نه تنها در جهان اسلام بلکه در کشورهای اروپایی نیز پیرو پیدا می کند. با پیروزی انقلاب اسلامی تمام این امکانات که تاکنون برای جلوگیری از نفوذ چپ سوسیالیست به کار برده می شد، برای جلوگیری از تأثیر انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام به خدمت گرفته می شود.

امروزه نه تنها در کشورهای اسلامی، بلکه در کشورهای اروپایی نیز جمعیت وهابی به چشم می خورد. یکی از سرچشمه های داعش و القاعده جوانانی هستند که در مدارس، حوزه های علمیه و در مساجد وهابیت آموزش دیده اند.

دیوبندیه

جریان دیگری که امروزه وجود داشته و تا حدودی تحت تأثیر افکار ابن تیمیه است، جریان دیوبندیه است. این فرقه تنها در توسعه مفهوم عبادت تحت تأثیر ابن تیمیه قرار گرفته اند و در دیگر مسائل متأثر از ابن تیمیه نیستند. تقلید از مذاهب اربعه را حرام نمی دانند و در فقه، مقلد امام ابوحنیفه اند. در عقاید، ماتریدی بوده و گرایشات صوفیانه دارند. علاوه بر این بر فضائل اهل بیت تأکید داشته و محب اهل بیت هستند. بدین سان ایشان را نمی توان به معنای واقعی سلفی دانست.

جماعة التبلیغ، سازمانی است که در سال ۱۹۲۶ میلادی توسط محمد الیاس کان دهلوی یکی از فارغ التحصیلان دیوبند تأسیس شد و نقش بسیار مهمی در گسترش این فرقه ایفا کرده است. جماعه التبلیغ یک گروه غیرسیاسی است و به همین دلیل در بسیاری از کشورها اجازه فعالیت دارد. امروز جماعه التبلیغ در اروپا، آفریقا، آمریکای شمالی و جنوبی گسترش یافته است. اما از دل مدارس دیوبندی گروه های متعددی بیرون آمده است که از این میان دو گروه تندرو بسیار حائز اهمیت اند: سپاه صحابه و طالبان.

سپاه صحابه سازمانی است نظامی که توسط فارغ التحصیلان تندرو و افراطی مدارس دیوبندی در پاکستان، و با هدف تقابل با شیعیان پایه گذاری شده است. در طول سی الی چهل سال گذشته سپاه صحابه بسیاری از شیعیان را برخلاف نظر بزرگان فرقه دیوبندیه به شهادت رسانده است.

طالبان

در سال ۱۹۹۴ میلادی و در اوج جنگ های داخلی افغانستان گروهی شبه نظامی متشکل از طلاب افغانی مدارس دیوبند در شمال پاکستان و جنوب افغانستان به رهبری ملاعمر وارد جنوب افغانستان شدند و نام خود را «طالبان» نهادند. طالبان گروهی است که معتقد به تکفیر شیعه نیست؛ اما به هرحال در غالب موارد رویکردهایی تند و افراطی دارند.

اخوان المسلمین

دیگر جریانی که خود را سلفی می داند، اخوان المسلمین است. تأسیس این سازمان توسط حسن البنا که تحت تأثیر برخی از افکار ابن تیمیه قرار داشت صورت گرفت. اگرچه حسن البنا همانند دیگر سلفی ها معتقد به وجوب تخریب بناهای بر قبور است؛ اما در دیگر مسائل چندان ابن تیمیه ای نیست. حسن البنا نگاه منفی به صوفیه ندارد، و نسبت به شیعه با دیدی مثبت می نگرد. امروزه سازمان اخوان المسلمین در بیش از هفتاد کشور جهان دارای تشکیلات است و بسیاری از افراد را تحت تأثیر خود قرار داده است. اردوغان، ماهاتیر محمد، راشد الغنوشی، حسن ترابی، برهان الدین ربانی و محمد مرسی از کسانی هستند که می توان آنها را دارای تفکر اخوانی دانست.

اما یکی از مهم ترین انشعابات اخوان المسلمین، جریانی است که آن را با نام جریان قطبی می شناسیم. جریان قطبی به طرفداران و پیروان سید قطب گفته می شود. سید قطب رهبر معنوی اخوان المسلمین بعد از حسن البنا است. او در کتابی با عنوان نشانه های راه، بیان می دارد که ما اکنون در جاهلیت قرن بیستم و به عبارتی در جاهلیت مدرن به سر می بریم. این جاهلیتی است که از جاهلیت عصر پیامبر (ص) به مراتب بدتر است. فرهنگ غربی همان فرهنگ جاهلی است و اکنون جاهلیت تمام شهرهای اسلامی را پر کرده است. تنها راه اصلاح، نه موعظه که جهاد مسلحانه علیه حاکمان کشورهای اسلامی است.

این تلقی و طرز فکر، عده زیادی از جوانان اخوان المسلمین را که مخالف رویکرد اعتدالی رهبران جنبش بودند، به خود جذب کرده و زمینه ساز تشکیل گروهی شد که بعدها به عنوان سلفی جهادی مطرح شدند.

سلفی های جهادی

سلفی های جهادی را می توان تکفیری ترین گروه در جهان اسلام دانست. پس از اعدام سید قطب به اتهام «توطئه برای براندازی»، طیفی از جوانان پیرو سید قطب از اخوان المسلمین جدا شده و گروهی به نام الجهاد را تأسیس کردند. از میان رهبران این گروه، محمد عبدالسلام بیش از سایرین معروف است. او در کتاب خود با عنوان فریضه غائبه، بیان کرد که مسلمانان یک فریضه را فراموش کرده اند، و آن فریضه جهاد است. بر هر مسلمانی واجب عینی است که علیه حاکم مسلمان سکولار و مروج فرهنگ غرب اسلحه به دست گیرد. درواقع بیشتر کتاب فریضه غائبه بازگویی سخنان ابن تیمیه است. محمد عبدالسلام در هرکجا که می خواهد مسلمانان را تکفیر کند به یکی از فتاوی ابن تیمیه استناد می کند.

القاعده

با حمله شوروی به افغانستان، این گروه های جهادی به سمت جبهه افغانستان سرازیر شده و تحت رهبری عبدالله عزام با ارتش شوروی وارد جنگ می شوند. عبدالله عزام که به «پدر جهاد جهانی» معروف است زمینه ورود هزاران جوان عرب به افغانستان را فراهم می آورد. یکی از کسانی که با تشویق عبدالله عزام از عربستان به افغانستان می آید، شاگرد او اسامه بن لادن است. با شکست شوروی، ردپای این گروه های جهادی را در جبهه های دیگری همچون چین، بوسنی، سودان، یمن، و لیبی می تواند دنبال کرد. پس از کشته شدن عزام بسیاری از اعضای این گروه های جهادی به اسامه بن لادن پیوستند. بن لادن آمریکا را دشمن اصلی جهان اسلام می دانست، لذا پیکان حملات خود را به سوی آمریکا و نه حاکمان سکولار کشورهای اسلامی نشانه می رفت.

داعش

با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، نیروهای القاعده از سراسر جهان به سمت عراق عزیمت کرده و علیه آمریکا وارد جنگ شدند. در این میان ابومصعب الزرقاوی که مؤسس گروهی به نام توحید و جهاد بود، در سال ۲۰۰۴ به بن لادن پیوسته و رهبری القاعده عراق را به عهده گرفت. با پیوستن گروه توحید و جهاد به شبکه القاعده، این گروه به القاعده عراق معروف شده و با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق وارد جنگ شد. در نهایت پس از ائتلاف با چندین گروه دیگر داعش تشکیل گردید که رهبری آن را ابوعمر بغدادی و پس از آن ابوبکر بغدادی بر عهده داشتند. بنابر آنچه گفته شد داعش را می توان ادامه تشکیلاتی یک گروه از سلفی های جهادی در عراق به رهبری ابومصعب زرقاوی دانست. زرقاوی که خود جزو القاعده بود همواره به فتاوی ابن تیمیه استناد می کرد. او که به شدت تحت تأثیر ابن تیمیه است در کتاب خود به نام هل اتاک حدیث الرافضه، آیا می دانید رافضی ها چه کسانی هستند؛ شیعیان را دشمن اصلی جهان اسلام معرفی می کند و بر مبنای همین عقیده، شیعیان بسیاری را در عراق به شهادت می رساند. بغدادی نیز خود را پیرو ابن تیمیه می دانست. از این لحاظ می توان گفت ایدئولوژی همه گروه های سلفی جهادی ریشه در افکار و آثار ابن تیمیه دارد.

برنامه تلویزیونی «درس گفتار» به تهیه کنندگی سیدشهاب لاجوردی توسط مؤسسه آفاق حکمت اندیشه اسلامی تولید شده و از شنبه تا پنج شنبه ساعت ۱۶:۴۵ از شبکه چهار سیما پخش و روز بعد ساعت ۱۰ صبح، بازپخش می شود.